بحث و نظر: چرا کیفیت و ارزش دلاری فرش چنین سقوط کرده است؟

روزگاری فرش کرمان مظهر و نمونهء فرش ایران بود.تا آنجا که در استحکام ضرب المثل شده بود و دربارهء اشخاصی که شادابی و سرزندگی خود را حفظ میکردند میگفتند:فلانی مثل فرش کرمان می‏ماند که هرچه بیشتر پا می‏خورد بهتر میشود.در عین حال فرش کرمان نمونهء ابتکار اصیل و ارزشمند در طراحی و رنگ‏آمیزی بود.تلفیق‏ تحسین‏برانگیز این دو عامل حتی ظرافت و استحکام‏ فرش کرمان را تحت الشعاع قرار داده بود.اما بتدریج‏ گروهی آزمند که آرزوی هرچه زودتر ثروتمند شدن را داشتند،گروه جفتی زدن را در فرش کرمان باب کردند.یعنی‏ بجای اینکه یک تار با یک تار دیگر بوسیلهء یک پرز گره‏ زده شود،دو تار را با دو تار دیگر گره زدند و چون بعد از کشیدن و محکم کردن گره و شانه زدن نخهای تار از پشت‏ اثر خود را جداجدا نمودار میساختند تشخیص دادن اینکه‏ فرش با گره جفتی بافته شده،تقریبا غیر ممکن می‏بود. این امر سبب میشد که فرش،با رج شمار ظاهرا بیشتر، در عمل نیمی از رج لازم را داشته باشد.فرش به این نحو زودتر تمام میشد و مواد خام کمتری میبرد.این کار ناصحیح‏ در بافتن فرش بزودی فراگیر شد و تقریبا در تمام نقاط کشور که فرش را با گره فارسی می‏بافتند مرسوم گردید.اما در نقاطی که فرش را با گره ترکی و با قلاب می‏بافتند گره‏ جفتی رواج نیافت زیرا با قلاب فقط میتوان یک تار را با تار دیگر توسط پرز پیوند زد.اما عده‏ای از سوادپیشگان فرش‏ در کرمان به این حد هم قناعت نکردند و با سوء استفاده از نام و شهرت نیاکان زحمت‏کش خود و با ترغیب‏ فروشندگان بزرگ فرش کرمان در امریکا و اروپا،فرش‏ بدون گره بوجود آوردند.حتی فرشهائی بوجود آوردند که پس از بافت مو بطور سراسری رنگ میشد و اینهم‏ یک خطای نابخشودنی دیگر بود و به این ترتیب فرش‏ کرمان رفته‏رفته شهرت جهانی خود را از دست داد.البته‏ بودند و هنوز هم هستند کارفرمایان درستکاری که در کرمان فرش اصیل می‏بافتند و می‏بافند لیکن منزلت و اعتبار فرش کرمان از بین رفت و دیگر هرگز اعتبار سابق‏ خود را بدست نیاورد،تا آنجا که گاه فرش کرمان را بجای‏ فرش دیگر نقاط عرضه میکردند.حتی در بازار داخلی نیز کار نادرست تعدادی سوداپیشه اثر خود را بر جای گذاشت‏ و از آن پس کمتر کسی به خرید فرش کرمان رغبت نشان‏ داد،مگر فرشهای کهنه و گره‏دار.(پرزهای فرش بی‏گره را با دست میتوان از پشت فرش بیرون کشید و با جارو کردن نیز بتدریج بیرون کشیده میشود و به این ترتیب برخلاف گره‏ جفتی،تشخیص فرش بدون گره از فرش گره‏دار بسیار آسان است).

امروزه معمولا قیمت فرشهای کاشان و تبریز ملاک‏ تعیین قیمت فرش سایر نقاط کشور قرار میگیرد.علت‏ نیز این است که حجم تولید و شهرت جهانی فرش این دو منطقه بیش از محصول مشابه دیگر نقاط کشور میباشد. البته قالیچه‏های قم یا بافتهای ابریشمین و ظریف دیگر نقاط و فی المثل فرشهای نائین جای خاص خود را دارد، لیکن پس از اینکه فرش کرمان-در اثر اشتباه کاری‏ گروهی سوداپیشه و با همکاری چند کمپانی انگلیسی و امریکائی-اعتبار بین المللی خود را از دست داد.اینک‏ کاشان و تبریز دوشادوش در بازارهای جهانی فعالیت و شهرت دارند.فرش تبریز را بیشتر در ظرافت و تنوع طرح و نقش می‏پسندند-که متأسفانه اخیرا پاره‏ای طرحهای‏ تلفیقی غیر استادانه و تکرار بیش از حد اینگونه طرحها همراه با استفاده برخی از بافندگان از الیاف مصنوعی‏ بجای الیاف طبیعی،در مورد فرش تبریز سئوالاتی‏ برانگیخته است و جا دارد قبل از آنکه فرش تبریز هم به‏ سرنوشت فرش کرمان دچار شود،بافندگان-بازرگانان و اتحادیه‏های مربوط،با همکاری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز و ارومیه،جلوی هر گونه خلافکاری را بگیرند و نگذارند این بزرگترین رقم صادراتی غیر نفتی کشور جایگاه جهانی خود را از دست بدهد.فراموش نکنیم که‏ احیای مجدد فرش ایران پس از جنگ جهانی اول مرهون‏ تلاش و کوشش وقفه‏ناپذیر بازرگانان تبریز بود که از آنجا به دیگر نقاط کشور نیز گسترش یافت و دوباره این صنعت‏ را در جهان مشهور ساخت.همین بازرگانان باید بعنوان‏ متولی حفظ بازارهای صادراتی،خود مانع هر نوع‏ خلاف‏بافی و خلاف‏فروشی شوند...

در مورد کاشان،شهرت فرش این منطقه بیشتر روی‏ استحکام و خوب شانه زدن و البته در پاره‏ای موارد طرحهای‏ عالی آن بوده و هست.اما اخیرا سری‏بافی و تکرار بیش از حد قالی و قالیچه‏های نقش ترنج و لچک کاشان،تازگی و طراوت مورد نظر خریدار را از بین برده و تقلید فوری‏ نقشه‏های جدید سبب شده است که کارفرمایان فرش‏ کمتر در کار نقشه جدید،که کاری پرهزینه است، سرمایه‏گذاری اصولی کنند.شاید اتحادیهء تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش دستباف کاشان،که در حال تشکیل‏ است،بتواند یکی از فعالیتهای خود را روی این کار متمرکز کند.در این زمینه و در زمینه الیاف مرغوب و رنگ‏آمیزی‏ ثابت بطریق درست،معاون اتاق ایران در جلسه‏ای که با حضور بافندگان و بازرگانان عمدهء فرش کاشان در اتاق‏ بازرگانی آن شهر تشکیل شد آمادگی اتاق ایران و انجمن‏ صنایع نساجی کشور را برای ایجاد کلاسهای عملی جهت‏ آموزش رنگرزان-طراحان و بافندگان به طرز صحیح کار، اعلام کرد.

در فرش کاشان نیز متأسفانه استفاده از گره جفتی رواج‏ یافته،از آن گذشته برای زودتر بپایان رسیدن فرش‏ فرشهای ریزبافت بتدریج جای خود را به فرشهای‏ درشت‏باف با رج شماره کمتر داده است.البته یکی از خصلتهای فرش کاشان اینست که عموما(و بجز در موارد بسیار استثنائی)درشت‏تر از فرش تبریز یا اصفهان و نائین‏ بافته میشود.در این کار-اگر بطور صحیح باشد-بافندگان‏ کاشان براساس طول و عرض فرش،الیاف متناسب را انتخاب میکنند تا استحکام لازم را داشته باشد.معمولا فرش مرغوب عالی کاشان را روی 40 رج می‏بافتند که برابر 50 تا 55 رج تبریز محسوب میشود.اما این روزها کمتر بافنده‏ای را میتوان یافت که فرش 40 رج ببافد،مگر در موارد استثنائی و چون‏"حکم بر اغلب جاری است‏"اینگونه‏ فرشهای استثنائی ظریف بافت،فعلا از محاسبات ما خارج است.در فرش کاشان نیز کم‏وبیش استفاده از الیاف‏ مصنوعی رسوخ پیدا کرده است.

در فرش کاشان.بجای 40 رج معمول،در سال 1340، یعنی 34 سال پیش 38 رج مرسوم گردید و بعنوان رج‏ معمول شناخته شد.و بتدریج رج معمول سقوط کرد تا در سال 1373(سال گذشته)که رج 30 بعنوان رج معمول‏ شناخته شد(که البته در این ردیف گاه 28 رج نیز بنام 30 رج دیده میشود).تعداد خانهء نقشه‏ها نیز در این 34 سال‏ بتدریج از 91 خانه به 72 خانه سقوط کرد.

بنابر آماری که آقای مهندس فرزانه رئیس اتاق بازرگانی‏ و صنایع کاشان در اختیار نویسنده قرار داده‏اند در قبال‏ فرش 38 رج 91 خانه نقشه،که در سال 1340،متر مربعی‏ 5000 ریال قیمت داشت،در پایان سال گذشته،یعنی 5 ماه پیش،فرش 30 رج 72 خانهء نقشه،متری 240000 ریال قیمت داشت،یعنی با وجود تنزل کیفیت در این 34 سال قیمت هر متر فرش کاشان 48 برابر شده است که‏ نسبت به تورم در این مدت،افزایش قیمت بسیار ناچیز است.اما اگر فرش 30 رج و 72 خانهء نقشه را که اینک‏ فرش معمول کاشان تلقی میشود با همان کیفیت سال‏ 1340(یعنی 38 رج و 91 خانهء نقشه)در نظر بگیریم.یعنی‏ فرضا فرشی با همان کیفیت مرغوب 34 سال پیش ببافیم‏ در آنصورت قیمت هر متر مربع فرش از 5000 ریال سال 40 به 385000 ریال افزایش می‏یابد.(البته این قیمتها قیمت‏ تمام شده است و قیمت فروش به مشتری عملا دو برابر این قیمتها میشود.)به این ترتیب با فرض حفظ کیفیت،قیمت فرش کاشان در 34 سال گذشته 77 برابر شده است.

اما اگر قیمت فرش را به دلار-که مأخذ درآمد ارزی از صادرات این بزرگترین رقم کالای غیر نفتی است-در نظر بگیریم،آنوقت با توجه به برابری قیمت ریال و دلار محاسبات بکلی دگرگون میشود.برای مثال در سال 1340 که فرش 38 رج 91 خانهء نقشه،بافت کاشان با دلار 70 ریالی متر مربعی 72 دلار فروخته میشد اینک چنین فرشی‏ و با فرض داشتن همین مشخصات،متری 128 دلار قیمت‏ تمام شده دارد.یعنی ظرف 34 سال قیمت دلاری آن کمتر از 8/1 درصد افزایش یافته است.در حالیکه در این مدت‏ قدرت خرید دلار حداقل به یک سی‏ام تقلیل یافته است. حال اگر فرض کنیم که صادرکننده فرش در 34 سال پیش‏ از فروش هر دلار صادراتی به بانک 70 ریال دریافت‏ میکرد و اینک 3000 ریال دریافت مینماید.طبعا همراه با آن،این سئوال در ذهن متبادر میشود که با 70 ریال در سال‏ 1340 چه مقدار کالا میتوانستیم بخریم و حالا با 3000 ریال آیا میتوانیم نصف یا ثلث یا حتی ربع همان کالا را خریداری کنیم؟

در جدولی که آقای مهندس فرزانه رئیس اتاق کاشان به‏ نویسنده ارائه دادند و ذیلا از نظر خوانندگان‏گرامی‏ میگذرد،مشاهده میکنیم که بهترین سال از نظر قیمت‏ دلاری قالی سال 60 بوده است که با هر دلار معادل 200 ریال،هر متر فرش با مشخصات گفته شده در فوق 530 دلار قیمت تمام شده داشته است(که تقریبا معادل همین‏ مبلغ نیز بر قیمت فروش آن افزوده میشده است).اگر فرض کنیم در سال 1350 یک متر فرش را با طلا میفروختیم در قبال قیمت تمام شده هر متر فرش نزدیک به 4 اونس طلا میگرفتیم و در سال گذشته فقط یک سوم اونس طلا بدست می‏آوردیم آیا در مورد کاهش قیمت فرش‏ محسوس‏تر از این میتوان رقمی ارائه داد.معنی این ارقام‏ اینست که قیمت فرش کاشان با کیفیت یکسان،ظرف 24 سال گذشته 12 برابر نسبت به قیمت طلا کاهش یافته‏ است.

اینک قبل از اینکه وارد مسائل دیگر مربوط به فرش‏ شویم عین جدول ارائه شده توسط رئیس اتاق کاشان را از نظر خوانندگان میگذرانیم:

تنزل کیفیت و قیمت فرش در بازارهای جهانی،هنگامی‏ روی میدهد که نه فقط کشورهای هند و پاکستان و دیگر رقبای سنتی فرش ایران به بهبود کیفیت و تقلید دقیق از نقشه‏ها و طرز بافت فرش ایران اقدام کرده‏اند،بلکه حتی‏ کشور چین که فرش زمینه ساده و گل برجسته و الیاف بلند آن برای خود بازار قابل توجه و شناخته‏شده‏ای در جهان‏ دارد،به تقلید از فرشهای ظریف‏باف با نقشه‏های اصیل‏ ایران روی آورده است.کسانیکه با هنرهای ظریف چین‏ آشنائی دارند میدانند که چینی‏ها تا حد شگفت‏انگیزی‏ ظریف کار هستند.هرگز تعجب نکنید اگر دیر یا زود به‏ شما بگویند که چینی‏ها فرش 90 رج و 100 رج را با نقشه‏های اصیل ایرانی بافته‏اند!اما یک چیز هست که‏ روح و طراوت فرش ایران و هماهنگی معجزه‏آسای همهء عوامل ایجاد یک فرش اصیل ایرانی،غیر قابل تقلید مانده‏ است.این چیزی است ماوراء رج،رنگ و نقشه،تا آنجا که‏ گاه یک قطعه فرش عشایری بر بهترین فرشهای بافت‏ کارگاههای شهری از نظر خلاقیت هنری و تازگی و طراوت‏ برتری میگیرد.

نهایت آنکه اگر باید فرش ایران بعنوان یک منبع عمده‏ در درآمدهای صادراتی غیر نفتی باقی بماند باید ضمن‏ حفظ اصالت آن از نظر طرح و نقشه و رنگ و مواد اولیه‏ اصیل،تحولات بازارها،وضع سلیقه خریداران و چگونگی‏ کار رقبای فرش ایران را نیز زیر نظر داشته باشد.در عین‏ حال شناسنامهء فرش باید بتدریج طوری پیشرفت کند که‏ عملا فرش غیر ایرانی را نتوانند بجای فرش ایرانی‏ بفروشند و صادرات فرش نامرغوب نیز ممنوع شود تا بازارهای فرش ایران در بلند مدت حفظ گردد و گسترش‏ یابد و در بازارهای جهان بعنوان یک کالای هنری و یک‏ سرمایه‏گذاری سودآور مورد دادوستد قرار گیرد و به قیمت‏ واقعی آن فروخته شود.